

## مقایسه ذهنیت نسلی و بین نسلی در نسل‌های دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی<sup>۱</sup>

مهران سهراب‌زاده<sup>۲</sup>

استادیار دانشگاه کاشان

### چکیده

مقایسه نسل‌های پس از انقلاب اسلامی از مباحثی است که تاکنون مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران مسائل اجتماعی ایران قرار گرفته است. در این میان پاره‌ای از متفکران جامعه‌شناسی قائل به انشقاق و شکاف نسل‌ها هستند و عده‌ای نیز به وجود تفاوت‌های جزئی باور داشته و با طبیعی قلمداد کردن تفاوت‌های میان نسل‌ها، نگرش متفاوتی را مطرح می‌کنند. تحقیق حاضر بدون آنکه خود را در چهارچوب ذهنی و فرضیه‌های این دو دیدگاه محصور کرده باشد، با رویکردی متفاوت از نظر محتوی و روش تلاش نموده با بهره‌گیری از تئوری «ابژه‌های نسلی» به مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های سه نسل دانشگاهی از منظر نگرش آنها به ابژه‌هایی در زمینه رفتارها، باورها و یادمان‌های تاریخی دست یابد. در این تحقیق، نمونه‌گیری از بین دانشگاه‌های دولتی غیرپزشکی شهر تهران شامل سه نسل دانشگاهی از جمله نسل اول شامل استادان دانشگاه که در دهه ۶۰ دوران دانشجویی خود را سپری کرده بودند، نسل دوم شامل استادان جوان و تازه استخدام‌شده دانشگاه‌ها، و نسل سوم شامل دانشجویان فعلی دانشگاه صورت گرفت. نتایج به‌دست‌آمده در خصوص همبستگی‌های درون‌گروهی و میان‌گروهی بیانگر آن بود که در هر سه بخش ابژه‌ها، نسل‌های مزبور شباهت‌های اساسی بین خود و تفاوت‌هایی چند را در مقابل نسل‌های دیگر دارا هستند.

**کلیدواژه‌ها:** ابژه (مصادق امپال)، اقشار دانشگاهی، ذهنیت بین نسلی، ذهنیت نسلی، شکاف نسلی، نسل.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که در سال ۱۳۸۶ با حمایت پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم انجام شده است.

## مقدمه و طرح مسئله

مطالعه تغییرات اجتماعی از چشم‌انداز مطالعه نسل‌ها یکی از مباحث مهم جامعه‌شناختی به‌ویژه در عرصه تحول و دگرگونی اجتماعی محسوب می‌شود. تحقیق حاضر با قبول این پیش‌فرض که از زمان انقلاب اسلامی تاکنون جامعه ایران دستخوش تحولات متعدد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده است و به نظر می‌رسد امواج توفنده انقلاب پس از گذشت ۳۰ سال، هنوز به کرانه‌های ساحل کم‌التهاب خود نرسیده‌اند - به مطالعه نحوه اثرگذاری پویش‌مزبور در بین نسل‌های دانشگاهی بعد از انقلاب پرداخته است. «بدون تردید انقلاب ایران نمایانگر تحول عمیقی در گفتمان فرهنگی جامعه بود، گفتمانی که به موازات تحولات اجتماعی شکل گرفت و ریشه در گفتمانی غیرمسلط در دوره پیش از انقلاب داشت. این گفتمان در آن هنگام، عمدتاً در متن قلمرو همگانی و به‌ویژه در مساجد، دانشگاه‌ها، محافل روشنفکری و مذهبی در جریان بود و در پی تحول اجتماعی زمان انقلاب به صورت گفتمان مسلط سر برآورد. این گفتمان حاکی از مفاهیمی چون شجاعت و فداکاری، شور و احساس انقلابی، سلسله‌مراتب‌ستیزی، تجمل‌زدایی، ساده‌زیستی، ظاهرگریزی، محتوایسندی، دگرگونی، مطلق‌گرایی، طرفداری از ایده اصالت جمع و سیاست‌زدگی بود. اشکال نمادین این گفتمان فرهنگی نیز در زندگی روزمره مردم مانند نحوه لباس پوشیدن، الگوی مصرف، نحوه برخورد با مقامات حکومتی، رفتارهای اجتماعی و... مشهود بود» (پدرام، ۱۳۷۸: ۶۱).

از سال ۱۳۶۰ به بعد به تدریج ارزش‌های مادی، سودجویی، کم‌توجهی به آرمان‌های اسلامی، انقلابی و مذهبی رواج پیدا کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۴۲). وی معتقد است «با پایان یافتن جنگ تحمیلی دگرگونی نظام ارزشی در جامعه ما در دو جهت به هم مرتبط پیش رفت، از یک طرف ارزش‌های مادی و نابرابری گسترش یافت و از طرف دیگر و همسو با آن ارزش‌های مذهبی تضعیف شد (همان).

آیا نگرش جوانان به جهان و فرهنگ غرب بدان معنا نیست که دریافت‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های عمل بخش‌های آموزشی و پرورشی مدارس و دانشگاه‌ها دچار اشکال است؟ «این گرایش در میان دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی و دانشجویان و همچنین در بین جوان‌هایی که متعلق به خانواده‌های تحصیلکرده و پردرآمدتر هستند، بیشتر دیده می‌شود... (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰: ۷۳-۹۶). مجموعه این نتایج مؤید این نکته است که انتقال



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۶۴

دوره دوم  
شماره ۸  
زمستان ۱۳۸۸

فرهنگ سیاسی با موفقیت کاملی همراه نبوده است.

واقعیت این است که طی سال‌های پس از انقلاب در پس امواج پُرتب‌وتاب و بحرانی آن زمان، چند جریان یا روند مشخص راه خود را در پی تحولات پدیدآمده به پیش بردند که عبارت بودند از:

۱. پیدایش و رشد فرایند هویت‌جویی و هویت‌خواهی در میان آحاد جامعه به‌ویژه نسل جوان و دانشجو؛

۲. رشد گرایش به معرفت‌جویی و معنویت‌گرایی برای تبیین فلسفه وجودی هستی و زندگی؛

۳. رشد فرایند تکلیف‌گرایی در راستای پاسخگویی عملی به پرسش بالا و اینکه از این پس چه وظایف، تکالیف، رسالت‌ها و مسئولیت‌هایی راه و روش زندگی آدمی را مشخص و معلوم می‌دارد؛

۴. رشد نوگرایی و امروزی‌شدن و فرایند تحول‌خواهی؛

۵. تعمیق نگرش نو به اصول فلسفی و مبانی اعتقادی و سنتی؛

۶. نگاه نو و کسب اعتماد به نفس نسبت به پیشرفت و سرآمد و الگو شدن در جهان به‌ویژه در میان ملت‌های مسلمان؛

۷. نوجویی و کنجکاوای نسبت به تحولات جهانی از جمله تحولات مغرب‌زمین در عرصه‌های مختلف، فناوری، صنعت، هنری، علمی، اجتماعی، موسیقی، ورزش، سینما و حتی عرصه‌هایی نظیر مد و مدپرستی. مجموعه‌ای که شرح آن رفت، خواه‌ناخواه در مرکز توجه‌های نسل جوان و دانشجو در هر دوره قرار گرفته‌اند و نتیجه مستقیم آن نیز شیفتگی‌های آنی یا تأثیرات دائمی و عمیقی بود که این فرایندها به نسبت تأثیرگذاریشان به همراه داشته‌اند.

در کنار این همه، فرایند دیگری نیز در شرف تکوین بود و آن رسوب ایدئولوژی نو به مرور زمان، کم شدن نرمش و انعطاف‌پذیری آن، صلب و سخت شدن و به قول مانهایم فیزیکی شدن ایدئولوژی انقلاب بود که به مرور جامعه را به گروه‌ها و دسته‌های بیشتر موافق، کمتر موافق و ناموافق تقسیم می‌نمود و خط‌کشی‌های حادثتری را به همراه می‌آورد. جملگی عوامل مزبور این پرسش را برای محقق مطرح ساخت که در صورت بازنمایی و ارائه سویه‌های نگرشی، اعتقادی، ایدئولوژیکی و رفتاری متداول در جامعه پس از انقلاب



اسلامی به جوانان دانشجوی امروزی، آنگاه پاسخ‌های به‌دست‌آمده تا چه حد انعکاس انتقال فرهنگی از نسل قدیم به نسل جدید خواهد بود؟

از این رو به عنوان محک و معیار، سؤال‌های مشابهی از نسل‌های قدیمی‌تر (استادان دانشگاه) و دانشجویان فعلی دانشگاه‌ها در مورد نگرش هم‌نسلی‌هایشان در ایام دانشجویی به موضوعات و محورهای بحث، به عمل آمد تا از این طریق مقایسه‌ی مقاطع زمانی گذشته و حال امکان‌پذیر شود.

ناگفته نماند جامعه ما طی یک صد سال گذشته همواره در فرایند مدرنیزاسیون و نوسازی ساختارها و شالوده‌های مادی و معنوی، تجارب عدیده‌ای را پشت سر گذاشته و به یقین در این فرایند، به‌رغم توجه و اهمیتی که پس از انقلاب اسلامی به میراث فرهنگی و تاریخی و مبانی اعتقادی به عنوان یک خواست اجتماعی و همچنین یافتن هویت اسلامی و ملی مبذول شده، روند پُرشتاب‌تری را از سال‌های قبل از انقلاب داشته است، لذا این فرض مطرح می‌شود که آیا این رویدادها زمینه‌ی مساعدی برای رشد شکاف نسلی فراهم کرده است؟

از سوی دیگر در کنار نظریه‌ی تحول اجتماعی و طبیعی قلمداد کردن تفاوت‌ها و گسست‌ها، پاره‌ای از رویدادها و جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در داخل کشور در تغییر سرعت و روند فوق‌نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند.

سرانجام باید عامل سومی را به این مجموعه افزود که همان تأثیرات برون‌مرزی (در قالب تئوری‌های اشاعه فرهنگی، تهاجم فرهنگی، جهانی‌سازی، تسلط عامل فناوری و زندگی در دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان هستند. با این کار تصویر واقع‌بینانه‌تری از سیر تحولات و تأثیراتی ارائه خواهد شد که بر متفاوت شدن نگرش‌ها و رفتارها اثر می‌گذارند.

### طرح موضوع

درخصوص مقایسه‌ی نسل‌ها به‌ویژه از جنبه‌های مختلف؛ ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و... تاکنون تحقیقات متعددی صورت گرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با این مطالعات در چند نکته خلاصه می‌شود که بازگویی آنها به روشن‌تر شدن صورت مسئله کمک خواهد کرد.



۱. بررسی مصادیق شباهت‌ها و تفاوت‌های نسل‌ها با بهره‌جستن از تئوری ابژه‌ها (مصادق امیال) صورت گرفته تا با این شیوه جدید، به تشخیص و تمیز گروه‌های مورد نظر پرداخته شود.

۲. مقایسه‌ها عمدتاً مربوط به نسل‌های جوان و دانشجویان پس از انقلاب اسلامی است.

۳. مطالعه و شناخت نسل‌های مورد نظر اساساً از منظر خود نسل‌ها و بر مبنای دریافت‌ها و برداشت‌هایی استوار است که افراد هر نسل، نسبت به نسل خود دارند.

۴. روش بررسی به شیوه مطالعه هنجار ذهنی (و نه پرسش مستقیم) متکی بوده و پاسخگویان نه در مورد شخص خودشان بلکه در مورد هم‌نسلی‌هایشان اظهار نظر کرده‌اند.

۵. در این پروژه برخلاف تحقیقات رایج و کلاسیک، مقایسه‌ای میان ذهنیت کنونی نسل قدیمی‌تر و نسل‌های جدیدتر صورت نمی‌گیرد بلکه مقایسه در اصل مابین ذهنیات جوانان چند نسل صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر هدف این بود که بدانیم نسل اول و دوم (استادان فعلی دانشگاه) در دوره خود (یعنی در زمانی که در کسوت دانشجویی به سر می‌بردند) از چه سویه‌های نگرشی و اعتقادی و رفتاری بیشتر تبعیت می‌کردند و مقایسه آن با ذهنیت دانشجویان فعلی چه نتایجی دربردارد.

۶. ابژه‌های مورد مطالعه در سه مقوله خاطره‌ها، باورها و نگرش‌ها، هنجارها و رفتارها) بر اساس تئوری ابژه‌ها تقسیم‌بندی و تفکیک و سپس در قالب «طیف لیکرت» به صورت مجموعه گویه‌های سه‌گانه به پاسخگویان ارائه شدند.

### پرسش‌های تحقیق

۱. مشخصات و ویژگی‌های ذهنیت نسلی و بین‌نسلی در میان نسل‌های دانشگاهی (ذهنیت نسل فعلی دانشجو در مقابل ذهنیت نسل‌های دانشجویی قدیمی‌تر که هم‌اکنون در کسوت استاد در دانشگاه‌ها مشغول به کار هستند) کدام است؟

۲. ابژه‌های نسلی شامل: خاطره‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها، هنجارها و رفتارهای مشترک بین گروه‌های مورد نظر را چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌دهند؟

۳. ابژه‌های متفاوت میان ذهنیت دوران جوانی آنها را چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌دهند؟

۴. اولویت‌های ارزشی منعکس شده در ابژه‌های هر نسل را چه مؤلفه‌هایی دربرمی‌گیرد؟



## تعریف مفاهیم و متغیرها

نسل<sup>۱</sup>: هر چند وفاق کاملی میان اصحاب علوم انسانی در مورد مفهوم نسل وجود ندارد اما می‌توان تعریف ذیل را تا حدودی از هنک بیکر<sup>۲</sup> پذیرفت؛ گروه‌های متمایز شده که به وسیله موقعیت تاریخی و علایق خاص در سطح فردی (دوره‌های زندگی، سوگیری ارزشی و سوگیری‌های نسلی) و در سطح سیستم (اندازه و ترکیب، فرهنگ نسلی و سوگیری‌های نسلی) مشخص می‌شوند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۳). از این رو نسل عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در ابژه‌های نسلی با یکدیگر سهیم شده‌اند، آن ابژه‌ها را به خوبی درک کرده‌اند و در نتیجه اکنون بینشی در مورد واقعیت اجتماعی برای خود به وجود می‌آورند (بالس: ۱۳۸۳).

ذهنیت نسلی<sup>۳</sup>: منظور از ذهنیت نسلی، درک کلی نسل از جامعه و جهان است. ممکن است یک نسل برداشتی از جامعه و جهان داشته باشد که نسل بعد فاقد آن باشد (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۵). ذهنیت هر نسل را تأکیدات اعضای هر نسل بر ارزش‌ها، خاطره‌ها رفتارها، علایق هنری، سیاسی و مذهبی و قهرمانان اجتماعی شکل می‌دهد، بنابراین هنگامی که اعضای یک نسل تعریف روشنی از نسل خویش ارائه می‌کنند و می‌توانند بین نسل‌های قدیمی‌تر یا جدیدتر تمایز قائل شوند و اینکه خصوصیات نسل خودشان از کجا ناشی شده، می‌توان گفت آنها واجد ذهنیت نسلی هستند (بولاس، ۱۹۹۳).

ذهنیت بینا نسلی<sup>۴</sup>: ذهنیت بین نسلی در واقع همان ابژه‌های نسلی است که به نظر بالس زیرگونه<sup>۵</sup> ابژه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند که برای ایجاد حس هویت نسلی به کار برده می‌شود و عبارت است از انگاره‌ها و باورهای مشترک و مشابهت‌های ابژه‌های نسل (بولاس، ۱۹۹۳).

مصادق امیال<sup>۶</sup>: ابژه یا مصادق امیال که برای درک ذهنیت نسلی در این پژوهش به کار گرفته شده‌اند، شامل خاطره‌های مشترک و تصاویر ذهنی است که در بین اعضای متعلق به یک نسل معین و در مواردی در بین اعضای چند نسل مشترک بوده و در این تحقیق شامل مؤلفه‌هایی هستند که از طریق روش بررسی هنجار ذهنی (و نه پرسش مستقیم) ارزیابی



1. Generation
2. Hank; Becker
3. Genration Mentality
4. Intergeneration Mentality
5. Subspecies
6. Object

می‌شود. هر فردی درون حوزه‌ای از ابژه‌های نسلی زندگی می‌کند. هر ابژه نسلی بخشی از تجربه ما از دوره و زمانه‌مان را در خود نگه می‌دارد، این ابژه‌ها شامل خاطره‌ها، نگرش‌ها، رفتارها، علایق و ذوق و سلیقه نسل‌هاست و خصوصیت فردی ندارند، یعنی برداشتی را که از نسل خودمان داشته‌ایم، برای ما باز می‌آفرینند. ابژه‌های نسلی به ذهن کمک می‌کنند تا خاطره‌های گذشته (ترانه‌ها، اشخاص، رویدادها و...) را به یاد آوریم... ابژه‌ها بی‌آنکه ما بدانیم درونمان و به عبارتی در ضمیر ناخودآگاه ما جای می‌گیرند... می‌توان گفت ابژه‌های نسلی پدیده‌هایی هستند که برای ایجاد حس هویت نسلی به کار می‌بریم. چه بسا این ابژه‌ها توسط نسل‌های قبلی‌تر استفاده شده باشند اما برای آنان حکم چهارچوب شکل‌دهنده یک نسل را نداشته‌اند، حال آنکه برای کودکانی که بعدها در سنین جوانی با تجربه کردن این ابژه‌ها به نحوی ناخودآگاهانه احساس همبستگی (نسلی) می‌کنند، چنین حکمی دارند. (بالس، ۱۳۸۰) همچنین بالس در مورد ابژه نسلی (خاطره‌ها) می‌افزاید: «می‌توان گفت هر نسلی آن ابژه‌های مهمی را که آشکارا بر فرهنگ آن تأثیر خواهند گذاشت، به نسل بعد منتقل می‌کند - جیمز دین و مرلین مونرو و الویس پریسلی تجسم بیش‌های پیچیده درباره زمان خودشان هستند که همچنان برای نسل‌های بعدی جذابیت دارند. کدام شخصیت‌های مشهور از نسل خود بیشتر عمر می‌کنند تا از یک عصر به عصر بعد انتقال یابند؟ تنها با گذشت زمان می‌توان این پرسش را پاسخ گفت». وی سپس می‌افزاید: «موسیقی، مد، اصطلاحات و تعابیر و نحوه رفتار اجتماعی ظاهراً ترجمان بلافصل آن اجزایی از بیش هستند که جایگاه خود را در انبوه ابژه‌های نسلی می‌یابند» (بالس، ۱۳۸۰).

ابژه خاطره‌ها<sup>۱</sup> یا حافظه جمعی: به زعم مانهایم مردمی که آگاهی اساسی را از تعلق به یک نسل درونی کسب می‌کنند، در یک حس بنیادی که ناشی از اشتراک در تاریخ است، مشارکت دارند و تجربیات جوانی مشترکشان را رویدادها و وقایع اجتماعی بی‌نظیر ساخته است (یوسفی: ۱۳۸۳). با توجه به توضیحات بالا این ابژه از طریق ذهنیت پدید آمده و در اذهان ماندگار می‌شود و شامل مجموعه‌ای از خاطره‌ها و یادمان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در میان اعضای یک نسل کم‌وبیش مشترک بوده و به سهم خود در شکل‌گیری ذهنیت نسلی تأثیرگذار است. در این زمینه می‌توان به خاطره‌هایی نظیر حوادث تاریخی مهم کشور، رویدادهای سیاسی برجسته و برخی وقایع مهم و مرتبط با موقعیت



صنفي افراد دانشگاهي اشاره نمود.

ابژه رفتارهاي مرسوم و متداول در ميان اعضاي هر نسل<sup>۱</sup>: ابژه مذکور، مجموعه‌اي از هنجارها و رفتارهاي معيني را دربرمي‌گيرد که به نظر مي‌رسد از یک نسل تا نسل ديگر تفاوت‌هاي بسياري را در بر داشته باشد. در بسياري از موارد آنچه به گسست نسلي معروف است نتيجه عدم تسلسل يا تداوم و انتقال اين رفتارها از نسلي به نسل بعد است که به تضاد هنجاري منجر مي‌شود، «تضاد هنجاري وضعيتي است که در آن براي بعضي امور دو هنجار يا دو مجموعه هنجار وجود داشته باشد... هنجارهاي متضاد منشأ ارزش‌هاي متفاوتي است» (يوسفي، ۱۳۸۳: ۱۴۵). از اين رو به نظر مي‌رسد در تحقيق حاضر بين هنجارهاي نسل اول با هنجارهاي نسل‌هاي بعد، تفاوت يا تضاد وجود داشته باشد. در اين زمينه مي‌توان به رفتارهايي نظير گذاشتن محاسن، نوع پوشش مرسوم، استفاده از عطر يا ادکلن و نظاير آن را که تمایزي بين رفتارهاي سنتي و رفتارهاي متأثر از الگوهاي غربي منعکس مي‌سازد، اشاره داشت.

ابژه نگرش‌هاي سياسي و باورهاي ايدئولوژيک<sup>۲</sup>: بالاس اشاره دارد «ماهيت هر نسلي مستلزم ژرف‌نگري در ماهيت تحول نسل‌هاست، نسلي که در حال شکل‌گيري است، جايگاه خود را در ارتباط با نسل‌هاي قبلي چگونه تعيين مي‌کند؟ نسل نوظهوري که به جنگ گسيل مي‌شود و در معرض خطر نابودي قرار مي‌گيرد، در وابستگي‌هاي بين‌نسلي‌اش با نسلي که در بازار کار براي اش امکان اشتغال فراهم مي‌شود، تفاوت دارد. اين نسل به نوبه خود مي‌تواند نسل‌هاي قديمي‌تر را به شدت بهت‌زده کند.

«در دهه ۱۹۶۰ کم‌وبيش همين‌طور شد. جوانان موهايشان را بلند کردند و در نافرمانی مدني خبره شدند (يوسفي، ۱۳۸۳: ۱۴۵) و بديهي است که در چنين حالي شکاف ارزشي بين نسلي روي مي‌دهد يعني فاصله افتادن ميان ارزش‌هاي دو نسل، به طوري که ارزش‌هاي آن دو با همدیگر تطابق نداشته باشد» (يوسفي، ۱۳۸۳: ۱۴۳). اين ابژه‌ها به‌ويژه در شرايط مطرح مي‌شوند که جامعه تجربه یک انقلاب سياسي و فرهنگي را پشت سر داشته باشد و مشاهده شود بسياري از نگرش‌ها و باورها دستخوش تغييرات اساسي شده‌اند و الگوهاي فکري جديدي جايگزين تفکرات قبلي شده است. حال سؤال اينجاست که تا چه حد



1. Objects of Current Behavior and Action
2. Objects of Historical and Political Reminiscences



باورهای فوق در نسل‌های بعد هم تداوم دارند و آیا نسل‌های بعدی هم به میزان نسل‌های قدیمی‌تر یا نسل اول به باورها و نگرش‌های آنان اعتقاد دارند؟ در این زمینه می‌توان به نگرش‌هایی نظیر باور به ایثارگری، خدمت بی‌اجر و منت، اعتقاد به مبارزه طبقاتی، غرب‌ستیزی و توجه به دموکراسی و کثرت‌گرایی اشاره کرد.

### پیشینه مطالعاتی

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در زمینه مقایسه ذهنیت نسلی با بهره‌گیری از تئوری ابژه‌ها در ایران، سابقه چندانی موجود نیست و تنها مطالعه در زمینه بحث ابژه‌ها مربوط به تحقیقی است که طی آن محقق به بررسی و مطالعه ابژه‌های به‌کاررفته در ایام سوگواری سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) پرداخته است و محقق بیشتر به بررسی نمادها و برخی انگاره‌های مراسم توجه داشته است. در مجموع بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد سه رویکرد به مسئله نسل‌ها در بین متفکران وجود دارد:

۱. گروهی که در داخل به تفاوت و گسست و انقطاع نسل‌ها قائل هستند.

۲. گروهی که گسست را نه مربوط به دو یا چند نسل می‌دانند بلکه معتقدند در درون هر نسلی هم می‌تواند بین گروه‌های مختلف گسست نسلی مشاهده شود و اعضای یک نسل واحد از درک و مفاهیم هم قاصر باشند.

۳. گروهی که معتقدند مفهوم واقعی گسست در پارادایم معرفتی آن نهفته است و به طور مثال، هنگامی که جامعه از پارادایم مدرنیته عبور می‌کند، گسست‌های فوق که در اعضای نسل‌ها جلوه پیدا می‌کند، امری طبیعی قلمداد می‌شوند.

سرانجام گروهی که تفاوت‌ها را عادی، جزئی و طبیعی قلمداد می‌کنند و تفاوت‌های موجود میان نسل‌های جوان، میانسال و بزرگسال را صرفاً ناشی از تفاوت‌های مرتبط با موقعیت‌های سنی یا جنسیتی می‌دانند و معتقدند به امری بیرون از موقعیت‌های یادشده مربوط نیست، بر این مبنا بدینی به فضای اخلاقی جامعه و میل کمتر به تغییرات دینی، هر دو نتیجه گذر سن است و با ورود به عرصه اجتماعی جابه‌جا خواهند شد، به این معنا اطلاعات یادشده گزارش‌دهنده هیچ تحولی نخواهند بود.

در رویکردی که به تفاوت و گسست قائل است، دیدگاهی وجود دارد که به رویکرد تاریخ طبیعی انقلاب‌ها شهرت دارد. بر این اساس، گرایش‌های ویژه نسل جوان نظیر



رویکرد بیشتر به سکولاریسم و گرایش‌های تساهلی نسبت به دین و امثالهم را با این رویکرد باید ارزیابی نمود. مطابق این نظر به تدریج و با فاصله گرفتن از تاریخ پیروزی انقلاب، نسل جدیدی به میدان آمده که تجربه نسلی متفاوتی از پدران خود دارند و بر این مبنا، گرایش‌های ویژه نسل ایدئولوژیک پدران خود را بر نمی‌تابند و گرایش‌های این نسل عمدتاً بازتاب بازگشت به وضع عادی و فضای هنجاری و ارزشی جامعه است (علیخانی، ۱۳۸۲: ۳۴).

بر اساس رویکرد خوشبینانه می‌توان گفت تغییر امری طبیعی، حتمی، ضروری و مداوم است و فرایند جذب و دفع فرهنگی همیشه وجود داشته و اصولاً یک ویژگی فرهنگی محسوب می‌شود. *عبدالهیان* در این زمینه می‌گوید: از آنجا که سرعت تغییرات تحت تأثیر نسل‌های سنی زیاد است میزان بازتولید ارزش‌های اجتماعی در جامعه جدید ایران بسیار کاهش یافته است. در واقع جامعه جدید ایران - که به زعم نویسنده دوران مدرنیته را طی کرده است - توانایی بازتولید همه ارزش‌های نسل‌های قبلی را ندارد، زیرا فاصله کمی که بین نسل‌ها وجود دارد، اجازه نمی‌دهد ارزش‌های نسل قبلی بازتولید شوند، نسل‌های جدید ایران در حال تولید ارزش‌های جدیدی هستند که در سطح نسل‌های مختلف فرق می‌کند. این نسل همان نسل‌های مختلف سنی است (عبدالهیان، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

*جان کاترل*<sup>۱</sup> معتقد است سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی اعمال شده پس از پایان جنگ تحمیلی، از جمله سیاست‌های تعدیل اقتصادی و تأکید بر مصرف‌گرایی و «مانور تجمل» به عنوان عامل حرکت‌ساز در تولید اقتصاد بر کلیه اقشار اجتماعی اعم از پیر و جوان تأثیر گذاشته و بر اثر گسترش ارتباطات ملی و جهانی مناطق روستایی را نیز در همان ابعاد و شاید بیشتر از مناطق شهری متأثر ساخته است. از این رو در فقدان تحقیقات تجربی جدی و پژوهش‌های علمی که تغییرات ارزشی را در میان تمامی جمعیت مورد بررسی قرار دهند، برجسته کردن مسئله در میان یک گروه و صرفاً معطوف به جوانان دانستن تغییرات ارزشی، کمتر مقرون به واقعیت است و راه هر نوع تحلیل و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه را پیشاپیش سد می‌کند. مسائلی نظیر تضاد بین اخلاق نظری و عملی یا تعارض بین انتظارات و مسئولیت‌ها و نیز فردگرایی روزافزون در جامعه ایران، امروز بیانگر وضعیتی است که در مورد کل ساختار اجتماعی معنا دارد و نباید آن را صرفاً به طور محدود در نظر گرفت



(کترل، ۱۹۹۸: ۶۱).

در مقابل این دیدگاه‌ها، رویکرد بدبینانه‌ای وجود دارد که معتقد است نسل جوان امروز که به شدت تحت تأثیر ارزش‌های غربی قرار گرفته، از طریق تهاجم فرهنگی دچار مسخ فرهنگی شده و از فرهنگ سنتی خود گریزان و دور شده است. در نتیجه فاصله‌ای میان نسل جدید با نسل قبلی - که خود را پایبند به ارزش‌های فرهنگ سنتی می‌بیند - ایجاد شده است که به ناچار موجب پیدایش درگیری در خانواده‌ها و سست شدن انسجام آن شده است (تیموری، ۱۳۷۷: ۱۸).

از طرفی دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌هایی نظیر ماهواره و اینترنت، به طور کیفی موقعیت نسل سوم را با نسل‌های پیشین متفاوت کرده است. بر این مبنا رویکرد فوق در تفسیر اثر رسانه‌های جدید موجبات تضعیف موقعیت خانواده را فراهم می‌سازد و به این ترتیب شکاف میان گروه‌های نسلی جدید و نسل‌های پیشین از این حیث محل توجه است زیرا گروه‌های نسلی جدید، کمتر فرایند جامعه‌پذیری خود را در خانواده سپری می‌کنند (علیخانی، ۱۳۸۲: ۳۷).

از سوی دیگر همان‌طور که پیشتر ذکر شد برخی متفکران ضمن قائل شدن گسست و انقطاع معتقدند این انعطاف می‌تواند هم به صورت افقی (در بین اعضای یک نسل) و هم به صورت عمودی (در بین نسل‌های مختلف) رخ دهد، قبادی معتقد است: وقتی واژه نسل را به انقطاع اضافه می‌کنیم و کلمه انقطاع نسل یا انقطاع نسل‌ها را به کار می‌بریم، اشکال مفهومی پیش می‌آید. انقطاع یا گسست پارادایمی منحصر به نسل جدید یا نسل قدیم نیست و در زمان واحد میان یک نسل هم وجود دارد... از طرفی ممکن است پیوستگی هم میان دو نسل وجود داشته باشد. اما می‌توان بنا به عنصر غلبه و با تسامح، این مفهوم را به کاربرد. بدین معنا که تعداد افرادی که از نسل جدید با نسل قدیم انقطاع فکری و پارادایمی پیدا کرده‌اند بیشتر از انقطاع در زمان واحد و پیوستگی در زمان‌های مختلف است و این روند همچنان روبه تزیاید است (قبادی، ۱۳۸۲: ۵۵).

به صورت افراطی تر قادری معتقد است انقلاب اسلامی دوره تعویض نسل‌ها را از سی سال به ده سال کاهش داده است. وی می‌گوید: امروزه بحث ارزش‌ها و مسائلی چون جبهه، انقلاب و اسلام و دین به شدت در حال تغییر است و این تغییرها اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین می‌توان گفت انقلاب اسلامی شکاف و اختلاف (بین نسل‌ها) را تشدید کرده



است. او به سه عامل اشاره می‌کند: شکاف بین سنت و مدرنیته، نقش انقلاب و ناکارآمدی حکومت (قادری، ۱۳۸۲: ۱۸۱). محمد باقریان نیز به بخش تحولات فناورانه و تهاجم فرهنگی اشاره دارد. (باقریان: ۲۲۴)

هادی سمّتی در اشاره به تفاوت نسل‌ها معتقد است، وابستگی جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله برای تأمین معیشت به خانواده، کمتر از گذشته شده است و سطح دانش و مهارت آنها نسبت به گذشته (نسل‌های قبلی) افزایش یافته که در گروه زنان بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی جلوه‌گر شده است.

در نگاه به نسل اول می‌توان گفت نیروهایی که در زمان انقلاب دانشجو بودند، به مرور مهارت یافته و آموزش دیدند و به عنوان تکنوکرات وارد چرخه قدرت و نخبگان سیاسی کشور شدند. به این ترتیب شاهد بلوغ نخبگان در سیاست هستیم که می‌توان آن را استحاله نامید، آنها به مرور دغدغه‌های زندگی روزمره و عادی پیدا می‌کنند و پراگماتیست می‌شوند. از سوی دیگر با همان الفاظ و گفتمان نسل اول صحبت می‌کنند. برخی همچون رفیع‌پور معتقدند «با پایان یافتن جنگ تحمیلی، دگرگونی نظام ارزشی در جامعه ما در دو جهت به هم مرتبط پیش رفت، از یک طرف ارزش‌های مادی و نابرابری گسترش یافت و از طرف دیگر و همسو با آن ارزش‌های مذهبی تضعیف شد (رفیع‌پور، ۱۳۷۵: ۲۷). عده‌ای این دگرگونی‌ها را به محدوده‌ای از جمعیت کشور منحصر می‌دانند و معتقدند در فرایند تغییر ارزشی و انتقال ارزش‌های جدید به فرد، بی‌تردید نسل جوان جامعه بیشتر تأثیر می‌پذیرد و آسیب‌پذیری بیشتری خواهد داشت زیرا این گروه سنی به جهت مقتضیات سنی خود طبعی نوحواه دارد و در پی کسب هویتی نو و استقلال شخصی است؛ به همین سبب کمترین تعلق خاطر و پیوند را با منابع سنتی، نظام باورها و رفتارهای اجتماعی دارد. علاوه بر این نسل جوان با قرار گرفتن در موقعیت حاشیه‌ای در جامعه و گرفتار شدن در دله‌ره منزلت، تعهد بیشتری به دگرگونی پیدا می‌کند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۲: ۳۱۳).

جامعه‌شناسان با بهره‌گیری از دو رویکرد جامعه‌شناختی خرد و کلان به مطالعه نسل پرداخته‌اند. نگرش‌های کلان‌نگر که شامل اندیشمندانی مانند کارل مارکس، کارل مانهایم و رونالد اینگلهارت می‌شود. هرچند مارکس مستقیماً به تفاوت نسل‌ها اشاره نکرده اما آن را در قالب ساختار طبقاتی، ایدئولوژی و نگرشی که هر طبقه برای خود دارد، ارزیابی می‌کند. کارل مانهایم نیز به بحث آگاهی نسلی اشاره دارد و معتقد است: «مردمی که آگاهی



را (از تعلق داشتن به نسل خود) درونی می‌نماید، در یک حس بنیادی که ناشی از اشتراک در تاریخ است مشارکت دارند و تجربیات جوانی مشترکشان توسط رویدادها و وقایع اجتماعی بی‌نظیر ساخته شده است» (دایس پستران<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۳: ۹۳).

در تئوری اینگلهارت، مفهوم کانونی مدرنیزاسیون این است که صنعتی شدن مجموعه‌ای از نتایج اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد که موجب افزایش سطح تحصیلات و تغییر نقش‌های جنسی می‌گردد. صنعتی شدن بر اغلب عناصر دیگر جامعه تأثیر می‌گذارد. این تئوری می‌گوید صنعتی شدن پیامدهای مختلفی از جمله در حوزه فرهنگی (تغییر بین‌نسلی) داشته است. تغییر از جامعه ماقبل صنعتی به صنعتی سبب تغییراتی در تجربه افراد و دیدگاه آنان شده است. پیدایش جامعه فراصنعتی، محرک پیدایش و گسترش دیدگاه‌های جهانی می‌گردد. افزایش تحصیلات رسمی افراد و تجارت شغلی آنها به افراد کمک می‌کند تا استعدادهایشان را جهت تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند. بنابراین، پیدایش جامعه فراصنعتی منجر به افزایش و تأکید بیشتر بر خردابزاری می‌گردد (در مقابل تأکید بر ارزش‌های سنتی) (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۴).

اینگلهارت و آبرامسون در تئوری تغییر ارزش بین نسل‌ها به افزایش سطح تحصیلات که خود از مؤلفه‌های مدرنیزاسیون است، تأکید می‌کنند (اینگلهارت، ۱۹۹۹). همچنین اینگلهارت یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکاف ارزش نسل‌ها را جهانی شدن ارتباطات می‌داند. وی می‌گوید می‌بینیم که جوانان در سراسر جهان لباس‌های جین می‌پوشند و به موسیقی پاپ گوش می‌دهند، اما کمتر تفاوت‌های ارزشی آشکار است (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

تئورسین دیگری که در این زمینه نظرات مهمی ابراز کرده، کارل مانهایم است. از وی می‌توان به عنوان نخستین نظریه‌پرداز یاد کرد که مفهوم نسل<sup>۲</sup> را وضع کرد، مانهایم از «برخورد تازه<sup>۳</sup>» در اثر شکل‌گیری نیروی درگذر زمان به جوانی که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با وجود اینکه او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود، با نسل معین می‌کند ولی افرادی را که در آن نسل موجودند و دارای



1. Diespstruten  
2. Generation  
3 Fresh-Contact



دیدگاه مشترک و تجربیات مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی<sup>۱</sup> یاد می‌کند (کارل مانهایم، ۱۹۵۲: ۲۹۰). واحد نسلی، مرکزی‌ترین عنصر بحث مانهایم است. با این حال او سه بُعد را برای نسل تشخیص می‌دهد: جایگاه نسلی<sup>۲</sup>، نسل به مانند یک واقعیت<sup>۳</sup>، واحد نسلی<sup>۴</sup>. جایگاه نسلی، تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی مرتبط است که در دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسانی متولد شده‌اند و وقایع تاریخی مشترکی را تجربه می‌کنند. جایگاه نسلی یک نسل بالقوه است که ممکن است صورت ظاهری به خود بگیرد یا نگیرد. صورت بالقوه نسل، از طریق نسل واقعی شکل حقیقی به خود می‌گیرد. به عبارتی، زمانی شکل می‌گیرد که تعدادی از معاصران، سرنوشت مشترک، ایده‌ها و مفاهیم مشترک دارند.

نسل به عنوان یک واقعیت به بازتشخیص تجربیات افرادی بستگی دارد که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، کسانی که احساس می‌کنند با معاصرانشان مرتبط هستند، چراکه به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند؛ بنابراین نسل به عنوان یک واقعیت تنها شامل افرادی می‌شود که به لحاظ تاریخی هم‌دوره هستند (دایس پستراتن و همکاران، ۱۹۹۹). مانهایم می‌گوید: وقتی از نسل صحبت می‌کنیم در واقع از آگاهی تاریخی اجتماعی<sup>۵</sup> صحبت می‌کنیم. در ساده‌ترین بیان، خصیصه نسلی که حاصل وقایع و تجربیات نسلی در طول دوره جوانی است، بر گرایش‌ها و اعمال بعدی مؤثر است. عنصر مرکزی تئوری نسلی مانهایم این است که مردمی که یک آگاهی اساسی را از تعلق داشتن به یک نسل درونی می‌کنند، در یک حس بنیادی که ناشی از اشتراک در تاریخ است، مشارکت دارند و تجربیات جوانی مشترکشان را رویدادها و وقایع اجتماعی بی‌نظیر ساخته است. مانهایم سن آغازین یک نسل را که خصیصه نسلی منحصر به فردی را توسعه می‌دهد ۱۷ سالگی - یا کمی بالا و پایین - و سن ۲۵ سالگی را سن احتمالی نقطه پایانی تشکیل نسل بزرگ‌تر می‌داند. بنابراین، مانهایم و نویسندگان بعد از وی پایان جوانی و اوایل بزرگسالی را در سال‌های شکل‌گیری می‌دانند که دورنمای شخصی جدا از تبلورهای جمعی است» (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۹).

1. Generation Units
2. Generation Location
3. Generation as an Actuality
4. Generation Unit
- 5 Historical-Social

دیویس<sup>۱</sup> با تأکید بیشتری می‌گوید: «وقایع تاریخی مهم در طول نوجوانی باعث فاصله افتادن از سبک‌های موجود بزرگ‌تر می‌شود. زیرا اینان با احساس یا ادراکی ثابت در حافظه زندگی می‌کنند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۹). مانهایم سن آغازین یک نسل را که خصیصه نسلی منحصر به فردی را توسعه می‌دهد، ۱۷ سالگی یا کمی بالا و پایین‌تر، و ۲۵ سالگی را سن احتمالی نقطه پایانی از تشکیل نسل بزرگ‌تر می‌داند. بنابراین، مانهایم و نویسندگان بعد از وی پایان جوانی و اوایل بزرگسالی را در سال‌های شکل‌گیری می‌دانند که دورنمای شخصی جدای از تبلورهای جمعی است» (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۹).

از نکات بالا نتیجه گرفته می‌شود که مفهوم‌سازی مانهایم از نسل، صرفاً نسل متولد شده به لحاظ آماری نیست. یک نسل به افرادی که در یک دوره تاریخی یکسان متولد شده‌اند، اشاره دارد؛ کسانی که در یک فضای اجتماعی - تاریخی یکسان زندگی می‌کنند و از تجربیات جوانی مشابهی در سال‌های شکل‌گیری‌شان آگاهی دارند. این مفهوم‌سازی به این نکته اشاره دارد که اعضای نسل به لحاظ ذهنی با نسلشان هویت می‌یابند و از طریق بیوگرافی مشترک مرتبط می‌شوند؛ حسی از سرنوشت مشترک دارند و از نسل‌های دیگر متفاوت می‌شوند. عضویت نسلی، آگاهی و معرفت نسلی را به ارمغان می‌آورد که نسل یک شخص (فرد) را از نسل‌های دیگر متفاوت می‌سازد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۹). بنابراین عضویت نسلی بستگی به نظر‌ها یا ایده‌های ذهنی مردم از یک موقعیت اجتماعی و تاریخی خاص دارد. به لحاظ تحلیلی این نکته دلالت بر این دارد که در تحقیق تجربی نسل، جوانب ذهنی و عینی هر دو باید مورد توجه قرار گیرد.

زنه بیکر (بیکر، ۲۰۰۲) سه دسته از آثار نسلی را برای تبیین تغییرات نسلی در سوگیری‌های ارزشی مورد توجه قرار می‌دهد:

۱. آثار تغییرات اجتماعی وسیع از قبیل سکولاریسم، فردگرایی و رشد آموزش؛
۲. آثار زمینه اجتماعی متفاوت در سطح خرد مثل خانواده؛
۳. آثار حوادث غیرمترقبه مثل تجربه جنگ.

به هر حال هم اهمیت عینی<sup>۲</sup> وقایع و هم علایق خاص افراد احتمالاً عوامل دوره زندگی را تعدیل می‌کنند و منجر می‌شوند برای افرادی که در زمان یکسانی نوجوان یا جوان





نیستند، برخی وقایع مهم نباشد یا باشند. همان‌طور که مانهایم می‌گوید: افراد نسل مسن احتمالاً وقایع را برحسب نگرشی می‌بینند که قبلاً از جهان توسعه داده‌اند. اینکه افراد در سنین بحرانی واقعه‌ای را به صورت دست اول تجربه کنند یا از مراجع دست دوم و بالاتر کسب تجربه کنند، آثار یکسانی در رفتار و گرایش آنها نخواهد داشت (بیکر، ۲۰۰۲).

در کنار این نظرات، دیدگاه‌های دیگری وجود دارند که خردنگر محسوب می‌شوند، این دیدگاه‌ها بیشتر از منظر جامعه‌شناسی خانواده و روابط والدین و فرزندان در انتقال ارزش‌ها از یک نسل به نسل دیگر به تقاضاها می‌نگرند. از جمله متفکرانی که با این دیدگاه به بررسی روابط بین نسل‌ها پرداخته‌اند می‌توان از *فیدرو سگالین* نام برد، سگالین معتقد است اختلاف عقیده و کنش‌ها در روابط هر نسل، معمولاً بر سر وسیله و نه هدف بروز می‌کند. این امر بازتاب سیر تحولات تاریخی و نه نشانه بروز اختلال در درون خانواده یا تعارض شدید بین گروه‌هاست.

### الگوی نظری طرح

بر اساس نظریه کریستوفر بالاس<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) هر فردی درون حوزه‌ای از ابژه‌های نسلی زندگی می‌کند. ابژه‌های نسلی بخشی از تجربه افراد از دوره و زمانه را در خود دارند، این ابژه‌ها، خاطره‌ها، نگرش‌ها، رفتارها، علایق و ذوق و سلیقه نسل‌هاست که خصوصیت فردی ندارند و مقایسه آنها به شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها در این زمینه کمک می‌کند. بحث ذهنیت نسلی که موضوع این تحقیق است، با بهره‌گیری از این دیدگاه به دو شکل قابل رؤیت است؛ هرچند موقعیت‌های واقعی در بین دو سر این طیف قرار می‌گیرند:

۱. درحالت مشابهت ابژه‌ها و پیوستگی نسل‌ها که دال بر انتقال موفق فرهنگی و جامعه‌پذیری است؛

۲. درحالت تفاوت ابژه‌ها و ناپیوستگی نسل‌ها

بنابراین هدف تحقیق بررسی این مطلب است که پس از شناسایی نحوه بازتاب و واکنش نسل‌های مورد نظر به ابژه‌ها، کدامیک از این حالات بیشتر مطرح هستند. ذکر این نکته نیز در اینجا ضروری است که تحقیق قصد ندارد به این سؤال پاسخ دهد که به چه دلیل یا دلایلی برخی ابژه‌ها از یک نسل به نسل بعد انتقال یافته‌اند یا چرا منتقل نشده‌اند

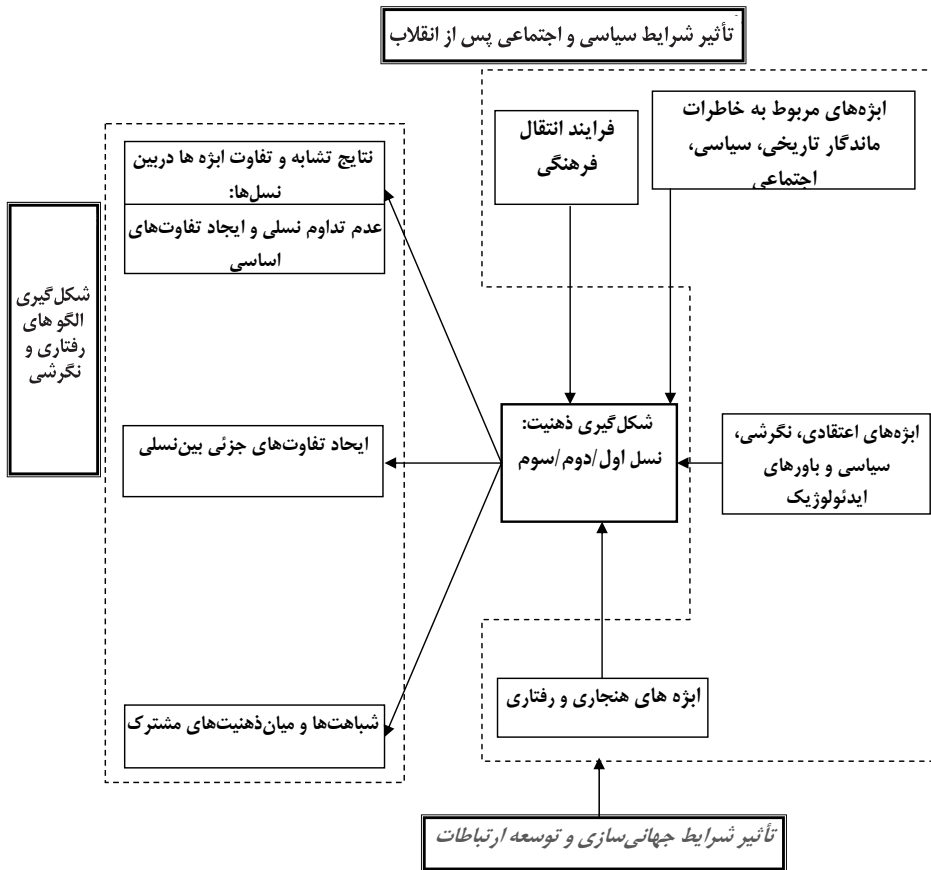


که خود نیازمند تحقیق مستقلی است.

بر این اساس، طبق مدل نظری طرح تحقیق ذهنیت نسلی در این پروژه متاثر از سه مؤلفه خاطره‌ها و یادمان‌های سیاسی و اجتماعی، رفتارها و هنجارها و سرانجام باورها و نگرش‌های اعتقادی و ایدئولوژیک در نظر گرفته شده است، همچنین پاره‌ای از عوامل، این مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند از جمله شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سال‌های پس از انقلاب که امواج آن هنوز پس از گذشت سه دهه، فروکش نکرده است. از سوی دیگر باید به فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری و انتقال فرهنگ از سوی نسل‌های قدیمی‌تر به نسل‌های جدیدتر اشاره کرد و سرانجام نقش گسترش و توسعه وسایل نوین ارتباطاتی و به علاوه نقش جهانی‌سازی و تهاجم فرهنگی را در ارتباط با سه مؤلفه سازنده ذهنیت نسلی مورد تأمل قرار داد. خروجی چنین دستگامی دو مؤلفه به صورت تیپ ایدئال<sup>۱</sup> را دربرمی‌گیرد که با بهره‌گیری از ادبیات دکتر حسین بشیریه در کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران تحت عنوان: «خرده‌فرهنگ اسلامی و سنت‌گرا و مؤلفه‌گرایش خرده‌فرهنگ مدرن‌گرا» نام‌گذاری شده‌اند. دکتر آزاد و شالچی نیز در مقاله «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ» از مقولات فوق تحت عنوان: «سبک زندگی اصول‌گرایی - انقلابی و سبک زندگی پسامدرن یاد کرده‌اند» (آزاد و شالچی، ۱۳۸۴: ۱۶۵). در این تحقیق از آنها تحت عنوان الگوی بیشتر سنتی و انقلابی و الگوی بیشتر مدرن یاد شده است. لذا نتیجه نهایی و آنچه مطمع نظر تحقیق است، مقایسه خروجی‌های مورد اشاره است که به پرسش اولیه تحقیق بازمی‌گردد: چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی از طریق مطالعه ابژه‌های نسلی در میان نسل‌های فوق مشاهده می‌شود؟



## مدل نظری



## روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که به شیوه پیمایشی و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و سنجش مقیاس انجام شده است.

## جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری شامل دانشجویان و استادان دانشگاه‌های دولتی غیرپزشکی تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - مستقر در شهر تهران است که نمونه آماری از بین آنها انتخاب شده است. به منظور تعیین حجم نمونه پژوهش حاضر با توجه به در دسترس نبودن



واریانس صفت مورد مطالعه، ابتدا با ۵۰ پرسشنامه مقدماتی واریانس برآورد شد. حجم نمونه به چند عامل بستگی داشت: درجه دقت مورد نظر - میزان تغییر در جمعیت برحسب مشخصه اصلی مورد مطالعه - فرض همگنی جمعیت (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸). بر این اساس، سطح اطمینان ۹۵ درصد و درجه دقت ۵ درصد در نظر گرفته شد یعنی نتایج با ۵+ و ۵- درصد خطای نمونه‌گیری محاسبه شده است. بر اساس فرمول کوکران، برای محاسبه  $n$  یا تعداد نمونه مورد نیاز (در دو نمونه مستقل شامل استادان و دانشجویان با انجام و بررسی نمونه‌های احتمالی میزان  $t$  برابر با ۱/۹۶ و میزان  $p$  برابر ۰/۷۰ و مقدار  $q$  برابر ۰/۳۰ و مقدار  $d$  با سطح احتمال مورد نظر برابر با ۹۵ درصدی یا ۰/۰۵ در نظر گرفته شد، لذا حجم نمونه در بین دانشجویان ۳۳۰ نفر و در بین استادان ۱۳۰ نفر در نظر گرفته شد. گروه تحقیق تنها امکان مصاحبه با ۷۳ نفر از استادان دانشگاه را به دست آورد. برای انتخاب نمونه ابتدا از دانشگاه‌های جامع غیرپزشکی دولتی و دانشگاه‌های فنی و مهندسی مستقر در شهر تهران به تفکیک ۵۰ درصد به صورت تصادفی<sup>۱</sup>، انتخاب صورت گرفت و سپس از طریق نمونه برداری طبقه‌ای<sup>۲</sup> به تفکیک گروه‌ها انتخاب شدند و برای گزینه‌های تصادفی از روی فهرست دانشکده‌ها و فهرست اسامی استادان پس از شماره‌گذاری فهرست به صورت سیستماتیک انتخاب به عمل آمد.

### روش جمع‌آوری اطلاعات

روش تحقیق در بررسی حاضر از نوع پیمایشی است و داده‌ها به صورت میدانی گردآوری شده‌اند. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق با کمک گرفتن از روش مصاحبه همراه با پرسشنامه<sup>۱</sup> واحد برای دو گروه استادان و دانشجویان صورت گرفته است. در این راستا برای افزایش اعتبار پرسشنامه، پس از طراحی پرسشنامه<sup>۱</sup> اولیه با کمک و بهره‌گیری از اجماع فکری تنی چند از صاحب‌نظران، مورد ویرایش‌های متعدد قرار گرفته و پس از انجام تست مقدماتی و تعیین ضرایب آلفای کرونباخ، برای بررسی هماهنگی سؤالات و گویه‌های پرسشنامه، مجموعه سؤالاتی در قالب طیف پنج‌جوابی نهایی شده است.

**اعتبار و روایی پرسشنامه:** منظور از روایی این است که مقیاس و محتوای ابزار یا سؤالات

1. Random
2. Stratified

مندرج در ابزار، دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را بسنجد. برای کسب روایی اقدامات ذیل انجام شده است:

۱. مطالعات اولیه و مقدماتی برای طرح ابژه‌ها و مؤلفه‌های پرسشنامه؛
۲. انجام مصاحبه‌های اکتشافی و بهره‌گیری از نظرات داوران و افراد صاحب‌نظر و استفاده از راهنمایی آنها؛
۳. انجام تست اولیه.

منظور از پایایی درجه دقت اندازه‌گیری است. برای آزمون پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر، از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ یک روش تعیین اعتبار پایایی است که همسانی درونی آزمون را ارزشیابی می‌کند و نشان می‌دهد سؤال‌های آزمون تا چه اندازه توانایی دارد تا خصیصه واحدی را بسنجد. نظر به اینکه دامنه آلفای کرونباخ از صفر تا یک است و برحسب قاعده تجربی حداقل آن باید ۷۰ درصد باشد تا پایایی مقیاس قابل قبول باشد که بر این مبنا گویه‌های کمتر از ۷۰ درصد پایایی حذف و در محاسبه مجدد، پایایی مورد نیاز حاصل گردید. میزان روایی<sup>۱</sup> سازه‌های متعدد پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ در جدول شماره ۱ آمده است که به نظر می‌رسد همه سازه‌های مورد مطالعه در حد مطلوبی روایی دارند.



جدول شماره ۱. ضریب آلفای کرونباخ سه بُعد اصلی پرسشنامه

میزان آلفا	تعداد گویه	سازه‌ها و ابعاد
۹۴ درصد	۵۳	ماندگاری خاطره
۸۳ درصد	۶۰	میزان شیوع و متداول بودن رفتار
۷۳ درصد	۵۳	نگرش پاسخگویان نسبت به باورهای سیاسی - فرهنگی و ایدئولوژیک

همان‌گونه که در جدول فوق نمایان است، روایی هر سه بعد اصلی پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ بوده و لذا روایی در حد مطلوبی قرار دارد.

## یافته‌های تحقیق

### الف - مقایسه میزان ماندگاری خاطره‌ها در ذهن پاسخگویان نسل‌های مختلف

در مجموع ۵۳ گویه برای سنجش ماندگاری خاطره‌های تاریخی و سیاسی در نظر گرفته شد که به صورت طیف پنج‌قسمتی به پاسخگویان ارائه گردید. پس از استخراج نتایج، طیف مزبور به دو گروه تفکیک شد (شامل پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد که در گروه ماندگاری بالای خاطره‌ها و پاسخ‌های کم و خیلی کم که در گروه ماندگاری پایین قرار گرفتند و بخش سوم به پاسخ‌های بی‌نظر اختصاص یافت). نتایج برگرفته از جدول فوق حاکی از آن است که نسل اول بیشترین درصد ماندگاری خاطره‌ها را کسب نموده‌اند (۵۸/۶ درصد) و پس از آن نسل دوم با ۵۶ درصد و سرانجام نسل سوم با ۳۵/۷ درصد ماندگاری بالا در مرتبه سوم قرار می‌گیرد. پایین‌ترین میزان ماندگاری خاطره‌ها به ترتیب شامل نسل سوم با ۴۱/۲ درصد و نسل اول با ۲۷/۵ درصد و نسل دوم با ۱۸/۷ درصد قرار دارند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۸۳

مقایسه ذهنیت

نسلی و بین‌نسلی در...

جدول ۲. میزان ماندگاری خاطره‌ها در ذهن پاسخگویان

ماندگاری بالا	بی‌نظر	ماندگاری پایین			
۱۵۱۰	۳۵۸	۷۱۰	جمع	نسل اول استادان مسن	گروه نسلی
۵۸/۶	۱۳/۹	۲۷/۵	درصد		
۷۹۲	۳۵۸	۲۶۴	جمع	دوم نسل استادان جوان	
۰/۵۶	۲۵/۳	۱۸/۷	درصد		
۶۰۴۷	۳۹۰۸	۶۹۵۷	جمع	نسل سوم دانشجویان	
۳۵/۷	۲۳/۱	۴۱/۲	درصد		
۸۳۴۹	۴۶۲۴	۷۹۳۱		مجموع	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		

ب - مقایسه نگرش به رفتارهای سنتی و انقلابی در نزد پاسخگویان نسل‌های مختلف

در مجموع ۶۰ گویه برای سنجش رفتارها و هنجارهای مرسوم و متداول در بین نسل‌ها در نظر گرفته شده است که در قالب طیف پاسخ‌های پنج‌قسمتی به سنجش رفتارها و هنجارهای مورد نظر بر اساس دو دیدگاه: الف (سنتی - انقلابی) و ب - (مدرن - متجددانه) به پاسخگویان ارائه و پس از استخراج نتایج طیف مزبور به دو گروه تفکیک شد (شامل پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد که در گروه بالا و پاسخ‌های کم و خیلی کم در گروه پایین قرار گرفتند و با همین عناوین نیز در جداول نام گذاری شدند).

جدول کلی ۳. نگرش به رفتارهای سنتی و انقلابی

مجموع	بالا	تاحدودی	پایین			
۴۸	۲۹	۱۹	۰	تعداد	نسل اول استادان مسن	گروه نسلی
۱۰۰ درصد	۶۰/۴ درصد	۳۹/۶ درصد	۰ درصد	درصد		
۲۷	۵	۱۶	۶	تعداد	دوم نسل استادان جوان	
۱۰۰/۰ درصد	۱۸/۵ درصد	۵۹/۳ درصد	۲۲/۲ درصد	درصد		
۳۲۳	۲	۳۲	۲۸۹	تعداد	نسل سوم دانشجویان	
۱۰۰ درصد	۶۰ درصد	۹/۹ درصد	۸۹/۵ درصد	درصد		
۳۶	۶۷	۲۹۵	۲۹۵	تعداد	مجموع	
۹/۰ درصد	۱۶/۸ درصد	۱/۷۴ درصد	۱/۷۴ درصد	درصد		



نتایج به دست آمده بر اساس جدول ۳ بیانگر آن است که عقیده به اشاعه بالای رفتارهای سنتی و رفتارهای رایج انقلابی به میزان ۶۰/۴ درصد در بین نسل موسوم به نسل اول (هنگامی که آنها در دهه ۶۰ در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کردند) و ۱۸/۵ درصد در بین نسل

دوم و ۶/۰ درصد در بین نسل سوم (نسل فعلی که در حال حاضر دانشجو هستند) اظهار شده است. در مقابل میزان موافقت با اشاعه رفتارهای نسبتاً غربی و تجددگرایانه در بین نسل اول تا حد بسیار کم و بالعکس میزان موافقت با اشاعه آنها در بین نسل سوم بسیار زیاد است.

#### ج - محاسبه میانگین نگرش نسبت به باورها و ارزش‌های متداول درون نسل‌های مورد مطالعه

در مجموع ۴۹ گویه برای سنجش نگرش‌ها و باورهای فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک مرسوم و متداول در بین نسل‌ها در نظر گرفته شده که به صورت طیف پنج‌قسمتی برای سنجش تمایل به دو دیدگاه: سنتی، انقلابی؛ و (تجددخواه، مدرن) به پاسخگویان ارائه و پس از استخراج نتایج طیف مزبور به دو گروه تقلیل داده شد، شامل:

جدول کلی ۴. نگرش نسبت به باورها و ارزش‌های متداول

مجموع	بالا	تا حدودی	پایین			
۴۸	۳۵	۱۳	۰	تعداد	نسل اول استادان مسن	گروه نسلی
درصد ۱۰۰	درصد ۷۲/۹	درصد ۲۷/۱	درصد ۰	درصد		
۲۷	۱	۱۶	۱۰	تعداد	دوم نسل استادان جوان	
درصد ۱۰۰	درصد ۳/۷	درصد ۵۹/۳	درصد ۳۷/۰	درصد		
۳۲۴	۰	۲۴۷	۷۷	تعداد	نسل سوم دانشجویان	
درصد ۱۰۰	درصد ۰	درصد ۷۶/۲	درصد ۲۳/۸	درصد		
۳۹۹	۳۶	۲۷۶	۸۷	تعداد	مجموع	
درصد ۱۰۰	درصد ۰/۰۹	درصد ۶۹/۲	۲۱/۸ درصد	درصد		



پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد که در گروه موافقت بالا با رفتارهای مطرح‌شده و پاسخ‌های کم و خیلی کم در گروه موافقت پایین با نگرش‌های مطرح‌شده قرار گرفتند. نتایج به‌دست‌آمده بر اساس جدول (۴) بیانگر آن است که میزان موافقت با رفتارهای نسبتاً مدرن و تجددگرایانه در بین نسل اول تا حد بسیار کم و بالعکس میزان موافقت با آنها در بین نسل سوم بسیار زیاد است.

### تحلیل نتایج

در این بخش معناداری تفاوت‌های میان سه نسل بر اساس ابعاد مختلف (باورها، نگرش‌ها و...) بررسی می‌شود. در پی شناسایی میزان اختلاف نسل‌های مختلف پیرامون مباحث فوق از آماره T و F و د/کن و شفه جهت تأیید و واکاوی نتایج، از این آزمون‌ها استفاده می‌شود.

در ابتدا سه بُعد مختلف خاطره، رفتار و نگرش بررسی می‌شوند. ضمناً از طریق طیف لیکرت در بررسی مقولات رفتار و نگرش، دو گرایش مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که با بهره‌گیری از ادبیات دکتر بشیریه نام‌گذاری شدند.

#### ۱. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمره خاطره‌های پاسخگویان به تفکیک نسل

جدول شماره ۵.

حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	N	
۱۵۸/۰۰	۸۲/۰۰	۱۷/۲۲۱۳۲	۱۲۲/۹۷۹۲	۴۸	نسل اول
۱۵۵/۰۰	۹۱/۰۰	۲۱/۵۱۷۳۰	۱۵۶/۹۲۵۹	۲۷	نسل دوم
۱۵۴/۰۰	۵۷/۰۰	۱۹/۵۳۹۳۴	۱۰۳/۲۲۴۶	۳۲۵	نسل سوم
۱۵۸/۰۰	۵۷/۰۰	۲۱/۰۷۸۰۱	۱۰۷/۱۹۵۰	۴۰۰	کل





۲. آزمون آماری مقایسه میانگین‌های سه نسل (آزمون F)

جدول شماره ۶.

Sig	F	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۳۶/۵۹۴	۲	۲۷۵۹۳/۳۵۶	بین گروهی
		۳۹۷	۱۴۹۶۷۵/۴۳	درون گروهی
		۳۹۹	۱۷۷۲۶۸/۷۹	مجموع

با توجه به مقدار  $\text{sig} = ۰.۰۰۰$  در آماره مزبور و میزان F مشاهده شده (۳۶/۵۹۴) در ارتباط با خاطره‌های سه نسل می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد خاطر نشان نمود میان سه نسل تفاوت وجود دارد؛ به گونه‌ای که حداقل خاطره‌ها دو نسل سوم و اول به طور معناداری از هم فاصله دارند.

۳. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمره رفتارهای پاسخگویان در مقوله رفتارها به تفکیک نسل

جدول شماره ۷.

حد اکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	N	
۲/۰۰	۱/۰۰	۳۰۸۷۱	۱/۱۰۴۲	۴۸	نسل اول
۲/۰۰	۱/۰۰	۴۹۲۱۰	۱/۶۲۹۶	۲۷	نسل دوم
۲/۰۰	۱/۰۰	۱۴۵۸۴	۱/۹۷۸۳	۳۲۳	نسل سوم
۲/۰۰	۱/۰۰	۳۵۸۳۶	۱/۸۴۹۲	۳۹۸	کل

۴. آزمون آماری مقایسه میانگین‌های سه نسل (آزمون F) در مقوله رفتارها

جدول شماره ۸.

.Sig	F	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰۰۰/	۳۷۳/۵۲۳	۲	۳۳/۳۳۱	بین گروهی
		۳۹۵	۱۷/۶۲۴	درون گروهی
		۳۹۷	۵۰/۹۵۵	مجموع



با توجه به مقدار  $\text{sig} = .000$  در آماره مزبور و میزان  $F$  مشاهده شده ( $37/523$ ) در ارتباط با رفتارهای سه نسل می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد خاطر نشان نمود میان سه نسل تفاوت وجود دارد. به گونه‌ای که نسل سوم گرایش بیشتری به خرده‌فرهنگ مدرن‌گرا دارند، در حالی که نسل‌های دیگر گرایش بیشتری به خرده‌فرهنگ اسلامی و سنت‌گرا دارند. در ضمن پس‌آزمونی جهت تفکیک نسل‌ها به گروه‌های مختلف انجام پذیرفت که در ذیل ملاحظه می‌کنید:

۵. مقایسه گروه‌های نسلی در رفتارها بر اساس آزمون‌های دانکن و شفه با استفاده از روش one way anova

جدول شماره ۹.

گروه‌ها			N	گروه نسلی	
۱	۳	۲	۱		آزمون دانکن
		۱/۱۰۴۲	۴۸	نسل اول	
	۱/۶۲۹۶		۲۷	نسل دوم	
۱/۹۷۸۳			۳۲۳	نسل سوم	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		.Sig	
		۱/۱۰۴۲	۴۸	نسل اول	آزمون شفه
	۱/۶۲۹۶		۲۷	نسل دوم	
۱/۹۷۸۳			۳۲۳	نسل سوم	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		.Sig	

همان‌گونه که در جدول نمایان است، هر کدام از نسل‌ها با فاصله میانگینی در سه گروه مختلف دسته‌بندی شده‌اند. به این معنا که در هر یک، انجام بخشی از رفتارها را در نسل



مشاهده می‌کنند و رفتارهای انتخاب‌شده در میان هر سه نسل متفاوت هستند.

۶. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمره نگرش‌ها به باورهای سیاسی - فرهنگی پاسخگویان به تفکیک نسل

جدول شماره ۱۰.

حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	N	
۲/۰۰	۱/۰۰	/۲۷۹۳۱	۱/۰۸۳۳	۴۸	نسل اول
۲/۰۰	۱/۰۰	/۱۹۲۴۵	۱/۹۶۳۰	۲۷	نسل دوم
۲/۰۰	۱/۰۰	/۱۸۹۱۴	۱/۹۶۳۰	۳۲۴	نسل سوم
۲/۰۰	۱/۰۰	/۳۵۰۳۷	۱/۸۵۷۱	۳۹۹	کل



۷. آزمون آماری مقایسه میانگین‌های سه نسل (آزمون F)

جدول شماره ۱۱.

.Sig	F	درجه آزادی	مجموع مربعات	
/۰۰۰	۳۹۹/۶۸۹	۲	۳۲/۶۷۲	بین‌گروهی
		۳۹۶	۱۶/۱۸۵	درون‌گروهی
		۳۹۸	۴۸/۸۵۷	مجموع

با توجه به مقدار  $\text{sig} = .۰۰۰$  در آماره مزبور و میزان F مشاهده‌شده (۳۹۹/۶۸۹) در ارتباط با نگرش‌ها به باورهای سیاسی - فرهنگی سه نسل می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد خاطر نشان نمود میان سه نسل تفاوت وجود دارد. به گونه‌ای که حداقل نگرش‌های دو نسل سوم و اول به طور معنادار از هم فاصله دارند. در ضمن پس‌آزمونی جهت تفکیک نسل‌ها به گروه‌های مختلف انجام پذیرفت که در ذیل ملاحظه می‌نمایید.

۸. مقایسه گروه‌های نسلی در نگرش‌ها به باورهای سیاسی - فرهنگی

جدول شماره ۱۲.

		N	گروه نسلی	
۱	۲	۱		آزمون دانکن
	۱/۰۸۳۳	۴۸	نسل اول	
۱/۹۶۳۰		۲۷	نسل دوم	
۱/۹۶۳۰		۳۲۴	نسل سوم	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		.Sig	
	۱/۰۸۳۳	۴۸	نسل اول	آزمون شفه
۱/۹۶۳۰		۲۷	نسل دوم	
۱/۹۶۳۰		۳۲۴	نسل سوم	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		.Sig	



همان‌گونه که در جدول فوق مندرج است، سه گروه نسلی پس از انجام پس‌آزمون با آزمون‌های دانکن و شفه بر اساس نگرش به باورهای سیاسی - فرهنگی به دو گروه تقسیم شده‌اند: خرده‌فرهنگ انقلابی و سنت‌گرا و مؤلفه‌گرایش خرده‌فرهنگ مدرن و تجدیدگرا، در گروه نخست نسل دوم و نسل سوم به ترتیب با میانگین‌هایی معادل ۱/۹۶۴۰ و ۱/۹۶۴۰ قرار گرفته‌اند و در گروه دوم نسل اول با میانگین ۱/۰۸۳۳ قرار گرفته است. این به آن معنی است که نگرش‌های نسل دوم و سوم بسیار نزدیک و شبیه بوده و همچنین نگرش‌های این دو نسل از نگرش‌های نسل اول به طور معناداری متفاوت است.

### نتیجه‌گیری

نسل اول که در این تحقیق به آنها اشاره شده و از آن با عنوان استاد دانشگاه یاد می‌شود، هرچند دیگر در موقعیت دهه اول انقلاب و سال‌های جوانی و دوران دانشجویی به سر نمی‌برد اما در حال حاضر تنها مرجع بازگوکننده ذهنیت نسل خود در آن ایام است. از این رو

در بخش ابژه‌های رفتاری و نگرشی از آنها خواسته شده بود با توجه به ذهنیت نسل خود در آن دوران اظهار نظر کنند. این نسل به واسطه تجربه‌های منحصر به فرد و تکرار نشدنی انقلاب و جنگ، نقش مؤثری در ایجاد هویت جدید برای جوانان و دگرگونی باورها و ارزش‌ها و اعتقادات جامعه ایفا می‌کرد. در کنار این رویدادها بلافاصله باید از رویدادهای تأثیرگذار دیگر نظیر گسترش ارتباطات و تحول در فناوری‌های ارتباطی و جهانی شدن و تهاجم فرهنگی یاد کرد که تا حدودی جامعه را از وضعیت یکدستی، همسانی، تقارن فرهنگی بیرون آورد.

تنوع و تعدد افکار و گوناگونی سلیق و تغییر نگرش‌ها و متفاوت شدن رفتارها و دفاع از تنوع‌گرایی و تکثر فرهنگی در مقابل تمایل نظام به وحدت و هم‌شکلی، تقریباً هر سه نسل را به درجات متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌داد، بنابراین از آنجا که تحقیق حاضر درصدد یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ذهنیت‌های نسلی است، تلاش شده تا مصادیق آن را در بین ابژه‌های نسلی جستجو کند. بررسی ابژه‌های مزبور که در سه حوزه خاطره‌های مربوط به رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی - ابژه‌های رفتاری و هنجاری - و ابژه‌های نگرشی و اعتقادی متجلی شده‌اند، نشان می‌دهد:

۱. در زمینه مؤلفه‌های فوق واریانس به دست آمده از نتایج درون‌گروهی در هر نسل کمترین میزان را داراست. به عبارتی بر اساس برداشت پاسخگویان هر نسل در مورد نسل خود، از یکپارچگی و انسجام ذهنی و رفتاری بالایی برخوردار است که تا حدودی تأییدی است بر اعتبار و روایی تحقیق حاضر.

۲. واریانس نتایج (میان‌گروهی) در بین نسل‌ها به خصوص میان نسل اول و نسل سوم بسیار زیاد است که تا اندازه‌ای به معنای عدم انتقال کامل ارزش‌ها و هنجارهای نسل اول به نسل سوم تلقی می‌شود. در این میان نسل دوم که از لحاظ سنی بین دو نسل اول و سوم قرار دارد و در این تحقیق از آنها به عنوان استادان جوان و جدید دانشگاهی یاد شده است، در پاره‌ای از ابعاد به نسل اول و در مواردی به نسل سوم و در برخی نکته‌ها هم به هر دو گروه نزدیک هستند و به عبارتی هم از نسل اول تأثیر پذیرفته است. همچنین متأثر از شرایط و وضعیتی است که نسل سوم را دربر گرفته بود، به عبارتی فرایند انتقال فرهنگی در مورد آنها موفقیت‌آمیزتر از نسل سوم صورت پذیرفته است، اما باید اشاره کرد به واسطه رشد و توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی این گروه همچون نسل سوم تحت تأثیر پدیده‌های جهانی



و جهانی شدن قرار گرفته است. در مجموع به نظر می‌رسد هرچند در بحث خاطره‌ها و یادمان‌های سیاسی و تاریخی فاصله میان نسل اول و سوم (تفاضل درصدهای ماندگاری بالای هر دو نسل) ۲۳ درصد بود، اما تفاضل فوق در موضوع اشاعه رفتارها و هنجارهای انقلابی و سنتی در میان نسل اول و سوم برابر ۵۸ درصد است و در بحث اشاعه نگرش‌ها و باورهای سنتی و انقلابی، تفاضل پاسخ‌های مثبت (زیاد و خیلی زیاد) در بین نسل اول و سوم که از آن می‌توان به تفاوت نسلی یاد کرد، برابر با ۷۲/۹ درصد است.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۹۲

دوره دوم  
شماره ۸  
زمستان ۱۳۸۸

## منابع

- آزاد ارمکی، ت. و شالچی و. (۱۳۸۴) «دو جهان ایرانی»، فصلنامه *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۴۸-۱۴۶.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۳) *رابطه بین‌نسلی در خانواده ایرانی*، تهران: انتشارات آگاه.
- اسماعیلی، م. (۱۳۷۴) دانشگاه و سیاست، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی.
- اسپاک، ب. (۱۳۶۴) *پرورش فرزند در عصر دشوار م*، مترجم: هوشنگ ابرامی - تهران: نشر صفی علیشاه.
- افشار کهن، ج. (۱۳۸۳) *سنت‌گرایی و تجددطلبی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- اکبری، م. (۱۳۸۴) *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳) *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، مترجم: مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- باکاک، ر. (۱۳۸۶) *صورت‌بندی‌های جامعه مدرن*، مترجم: مهران مهاجر، تهران: آگاه.
- بالس، ک. (۱۳۸۰) «ذهنیت نسلی»، مترجم: حسین پاینده، *فصلنامه ارغنون*، دوره ۱۹، شماره ۱۹، صص. بی‌من، و. (۱۳۸۱) *زیان و منزلت و قدرت در ایران*، مترجم: رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی.
- بیکر، ت. (۱۳۷۷) *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، مترجم: هوشنگ ناییبی، تهران: نشر سروش.
- توکل، م. قاضی زاده، م. (۱۳۸۵) «شکاف نسلی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۲۷، صص ۳۰-۱.
- توکلی، م. (۱۳۸۲) *بررسی ویژگی‌های دو نسل در چهارچوب نظام ارزش‌ها*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- تیموری، ک. (۱۳۷۷) «بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف در میان نسل‌ها»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، دوره ۱۶ و ۱۷، صص ۳۳-۳۲.
- جلالی، م. (۱۳۷۸) *نگاهی به شکاف نسل‌ها*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ذکایی، م. (۱۳۸۵) *فرهنگ مطالعات جوانان*، تهران: انتشارات آگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی جوانان*، تهران: انتشارات آگاه.
- بهار م. (۱۳۸۱) «ایزدها و تغییر مراسم دینی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۰، شماره ۲۰، صص ۴۵.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۶) «تغییرات ارزش‌ها در آینه سینما و مطبوعات»، *نامه پژوهش*، سال چهارم ۱۴ و ۱۵، صص ۳۰-۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸) *وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی*، تهران: شرکت انتشار.
- زیباکلام، ص. (۱۳۷۷) *سنت و مدرنیته*، تهران: انتشارات روزنه.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰) *وضعیت و نگرش جوانان ایران*، تهران: انتشارات سازمان.
- سرخاوت، ج. (۱۳۷۵) «مکانیسم‌های هنجارپذیری جوانان و راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی نامطلوب»، *نامه پژوهش*، دوره اول، شماره ۲ و ۳، صص ۲۷-۲۵.
- سراج‌زاده، ج. (۱۳۸۲) *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان*، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی - فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵) *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: نشر کیهان.
- شفرز، ب. (۱۳۸۳) *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، مترجم: کرامت‌الله، تهران: نشر نی.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۷۲) *نقش خانواده در رشد عواطف کودک و نوجوان*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.



شرفی، م. (۱۳۸۰) *جوان و بحران هویت*، تهران: نشر سروش، چاپ دوم.  
علیخانی، ع. (۱۳۸۲) *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تهران، انتشارات پژوهشکده.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۳) *هویت در ایران*، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

فرهادپور، م. (۱۳۸۳) *نقاب تقد*، تهران: نشر چشمه.  
قبادی، خ. (۱۳۸۲) «گسست پارادایمی بین نخبگان ایران»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، پژوهشکده جهاد دانشگاهی.

کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۸۳)، *گسست و تداوم نسلی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کرم‌اللهی، ن. (۱۳۷۹) *شناخت خرده‌فرهنگ جوانان - کارکردها و آثار آن*، تهران: جهاد دانشگاهی.  
گزارش شورای فرهنگی و اجتماعی (۱۳۸۲) *دانشگاه، جامعه و فرهنگ*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.

لاور رابرت، اچ. (۱۳۷۳) *دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی*، مترجم: کاووس امامی، نشر مرکز.  
نقیب‌السادات، ر. (۱۳۷۸) «تحلیل فیلم‌های پُرمصرف ویدئویی»، *نامه پژوهش*، دوره ۱۴ و ۱۵، صص. ۲۲۹-۲۳۸.

والاس، ک. (۱۳۸۰) *جوانان در جامعه*، مترجم: علی‌اکبر تاج‌زینانی، تهران: سازمان جوانان.

یوسفی، ن. (۱۳۸۳) *شکاف بین نسل‌ها*، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، تهران چاپ اول.



Diespstraten, I. & Estere, P. (1999) "Talking about My Generation Ego and Alter Image of Generation in the Netherland", *The Netherlands Journal of Social Sciences*, Vol. (2): 91-109.

Direnzo, G. (1975) *Social Change and Rational Character*, New York: New York Press.

Gordon, M. (1997) *Dictionary of Sociology*, Oxford: European Sociological.

Manhiem, K. (1972) *The Problem of Generation in Eassay on the Sociology of Knowledge*, London: Routledge and Kengan poau Ltd.

Bollas, C. (1993) *Being a Character: Psychoanalysis and Self Experience*, London: Routledge.